

ایران توشه

- دانلود نمونه سوالات امتحانی
- دانلود آزمون های مکالمه
- دانلود آزمون های حفظ چیز و نجاشی
- دانلود فیلم و مقاله آنلاین
- کندور و مشاوره



IranTooshe.Ir



@irantooshe



IranTooshe



ساختار کتاب

کتاب شب امتحان عربی، زبان قرآن (۳) دوازدهم از ۴ قسمت اصلی تشکیل شده است که به صورت زیر است:

(۱) آزمون‌های نوبت اول: آزمون‌های شماره ۱ تا ۴ این کتاب مربوط به مباحث نوبت اول است که خودش به دو قسمت تقسیم می‌شود:

(الف) آزمون‌های طبقه‌بندی‌شده: آزمون‌های شماره ۱ و ۲ را درس به درس طبقه‌بندی کرده‌ایم؛ بنابراین شما به راحتی می‌توانید پس از خواندن هر درس نامه، تعدادی سؤال را بررسی کنید. حواستان باشد این آزمون‌ها، ۲۰ نمره‌ای و مثل یک آزمون کامل هستند. در کنار سؤال‌های این آزمون‌ها نکات مشاوره‌ای نوشته‌ایم. این نکات به شما در درس خواندن قبل از امتحان و پاسخگویی به آزمون در زمان امتحان کمک می‌کند. (ب) آزمون‌های طبقه‌بندی‌نشده: آزمون‌های شماره ۳ و ۴ را طبقه‌بندی نکرده‌ایم تا دو آزمون نوبت اول مشابه آزمونی را که معلمتان از شما خواهد گرفت، ببینید.

(۲) آزمون‌های نوبت دوم: آزمون‌های شماره ۵ تا ۱۲ از کل کتاب و مطابق امتحان پایان سال طرح شده‌اند. این قسمت هم، خودش به ۲ بخش تقسیم می‌شود:

(الف) آزمون‌های طبقه‌بندی‌شده: آزمون‌های شماره ۵ تا ۸ را که برای نوبت دوم طرح شده‌اند هم طبقه‌بندی کرده‌ایم. با این کار باز هم می‌توانید پس از خواندن هر درس، تعدادی سؤال مرتبط را پاسخ دهید. هر کدام از این آزمون‌ها هم، ۲۰ نمره دارند؛ در واقع در این بخش، شما ۴ آزمون کامل را می‌بینید. این آزمون‌ها هم نکات مشاوره‌ای دارند.

(ب) آزمون‌های طبقه‌بندی‌نشده: آزمون‌های شماره ۹ تا ۱۲ را طبقه‌بندی نکرده‌ایم؛ پس، در این بخش با ۴ آزمون نوبت دوم، مشابه آزمون پایان سال مواجه خواهید شد.

(۳) پاسخ‌نامه تشریحی آزمون‌ها: در پاسخ تشریحی آزمون‌ها تمام آن‌چه را که شما باید در امتحان بنویسید تا نمره کامل کسب کنید، برایتان نوشته‌ایم.

(۴) درس‌نامه کامل شب امتحانی: این قسمت برگ برنده شما نسبت به کسانی است که این کتاب را نمی‌خوانند! در این قسمت تمام آن‌چه را که شما برای گرفتن نمره عالی در امتحان عربی، زبان قرآن (۳) نیاز دارید، تنها در ۱۰ صفحه آورده‌ایم، بخوانید و لذتش را ببرید! یک راهکار: موقع امتحان‌های نوبت اول می‌توانید از سؤال‌های درس‌های اول و دوم آزمون‌های ۵ تا ۸ هم استفاده کنید.

فهرست

شماره صفحه

پاسخ نامه	آزمون	نوبت	آنچه را براي موفقیت
۳۳	۳	اول	آزمون شماره ۱ (طبقه‌بندی‌شده)
۳۴	۶	اول	آزمون شماره ۲ (طبقه‌بندی‌شده)
۳۵	۹	اول	آزمون شماره ۳ (طبقه‌بندی‌نشده)
۳۶	۱۱	اول	آزمون شماره ۴ (طبقه‌بندی‌نشده)
۳۸	۱۳	دوم	آزمون شماره ۵ (طبقه‌بندی‌شده)
۳۹	۱۶	دوم	آزمون شماره ۶ (طبقه‌بندی‌شده)
۴۰	۱۸	دوم	آزمون شماره ۷ (طبقه‌بندی‌شده)
۴۱	۲۰	دوم	آزمون شماره ۸ (طبقه‌بندی‌شده)
۴۲	۲۳	دوم	آزمون شماره ۹ (طبقه‌بندی‌نشده)
۴۳	۲۶	دوم	آزمون شماره ۱۰ (طبقه‌بندی‌نشده)
۴۴	۲۹	دوم	آزمون شماره ۱۱ (طبقه‌بندی‌نشده)
۴۵	۳۱	دوم	آزمون شماره ۱۲ (طبقه‌بندی‌نشده)
۴۷			درس‌نامه توب برای شب امتحان



رده	kheilisabz.com	مدت آزمون: ۱۰۰ دقیقه	کلیه رشته‌ها به جز رشته انسانی	عربی، زبان قرآن (۳)
نوبت اول پایه دوازدهم دوره متوسطه دوم	آزمون شماره ۱	درس اول	ترجم الکلمات الّتی تھّبھا خطّ.	۱
۱	پوچھا: برای پاسخ به این سؤال باید به واژه‌های پایان هر درس مسلط باشید و البته که لازمه متن هر درس رو فوب بتوانید.	الف) الشَّبَابُ يَذَرُوا بِالضَّرَاعِ وَ تَضَارَبُوا حَتَّىٰ إِنْكَسَرَ كَتْفُ أَحَدٍ مِّنْهُمْ. ب) حَارَبَ إِبْرَاهِيمُ الْخَيْفُ مَعَ عَقَائِيدِ الْمُشْرِكِينَ وَ أَقامَ السُّعَادِيَّةَ الصَّحِيحَةَ بَيْنَ النَّاسِ.	ترجم الکلمات الّتی تھّبھا خطّ.	۱
۱/۵	گله متراکم و متغیرهای توی چهول درس تامه رو بلند باشید، به همه سؤال‌های توانید پاسخ ببرید.	اکتّب فی الفراغ الکلماتِ المُتَرَاكِمَاتِ وَ الْمُتَغَيِّراتِ.	۲	
۱/۵	پوچھنی روشن اینه که دو گزینه رو قیاس کنید و وقتی با مختلفی رو برو شدید، به صورت سؤال گذاشت که تبا فیال راهت پاسخ درست رو انتظاب کنید. ≠ =	اُتْسِخِي التَّرْجِمَةَ الصَّحِيحَةَ. الف) «إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلِ عَلَى النَّاسِ وَلِكُنَّ أَكْثَرُ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ» ۱) همانا خداوند بخشندۀ صاحب مردم است و بیشتر مردم شرک نمی‌ورزند. ۲) قطعاً خداوند دارای بخششی بر مردم است ولی بیشتر مردم سپاسگزاری نمی‌کنند. ب) حَذَرَ الشُّرُطِيُّ النَّاسَ أَنْ يَتَجَبَّبُوا مِنْ ذَلِكَ الْبَيْنَ لِأَنَّ الْعُمَالَ يُخْرِبُونَ. ۱) پلیس به مردمی که از آن ساختمن دوری می‌کردند هشدار داد که با کارگران آن را ویران کنند. ۲) پلیس به مردم هشدار داد که از آن ساختمن دوری کنند زیرا کارگران آن را ویران می‌کنند.	۳
۱	بینید کدام کلمه ترجمه نشده!	کُلُّ الْفَرَاغَاتِ فِي التَّرْجِمَةِ الْفَارَسِيَّةِ. الف) وَ أَيْرَ عَقْلِيٍّ وَ قَلْبِيٍّ بِالْعُلُومِ النَّافِعَاتِ وَ عَقْلٌ وَ قَلْبٌ رَّا با دانش‌های ب) «وَ لَا يَمْرُنُكُ فَوْلَهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا» سخنشنان تو را همانا همه برای خداداست.	کُلُّ الْفَرَاغَاتِ فِي التَّرْجِمَةِ الْفَارَسِيَّةِ.	۴
۱/۷۵	مواستون به فیل قاضن ترجمه «لای تقی ونس» باشد.	ترجم العبارات حسب قواعد لا النافعية للجنس. الف) «... لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَمْنَا ...» ب) لَا يَلِاسْ أَجْمَلُ مِنَ الْعَافِيَةِ. ج) لَا كَنْزٌ أَغْنَى مِنَ الْقَنَاعَةِ.	ترجم العبارات حسب قواعد لا النافعية للجنس.	۵
۱/۷۵	سریع برو سراغ هروف مشبیه بالفضل می‌دونم که فقط هستید!	ترجم العبارات حسب قواعد «الحروف المشبّهة بال فعل» ثُمَّ عَيْنَ الْحَرْفِ الْمُشَبَّهَ بِالْفَعْلِ. الف) «إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» ب) يا مُجِيب الدَّعَوَاتِ لَيَشَكُّ تُرِيلُ إِمامَ عَصِّرَا حَتَّىٰ يُعِينَنَا فِي الْحَيَاةِ. ج) اشیهوا! لَعَلَّ عِظَامِ رِجْلِكُمْ تُكَسَّرُ فِي مُبَارَأَةِ كُرْبَةِ الْقَدْمِ.	ترجم العبارات حسب قواعد «الحروف المشبّهة بال فعل» ثُمَّ عَيْنَ الْحَرْفِ الْمُشَبَّهَ بِالْفَعْلِ.	۶
۱/۷۵	پیشنهاد می‌کنم اول واژه‌ها رو ترجمه کنید و بعد برای سراغ عبارات ها.	ضع فی الْمَرْئَيِّ الْعَدَدُ الْمُنَاسِبُ. «كَلِمَاتُ زَائِدَاتِ» ۱) ضَمَ ۲) حَنِيف ۳) أَنْف ۴) كَيْف ۵) حَمِيم ۶) قَاسٌ	ضع فی الْمَرْئَيِّ الْعَدَدُ الْمُنَاسِبُ. «كَلِمَاتُ زَائِدَاتِ»	۷

نمره	kheilisabz.com	مدت آزمون: ۱۰۰ دقیقه	كلیه رشته‌ها بهجز رشته انسانی	عربی، زبان قرآن (۳)
	نوبت اول پایه دوازدهم دوره متوسطه دوم	آزمون شماره ۱		ردیف
۱	بیهه‌ها؛ واژه‌ها رو که ترجمه کردید کارتون ساده می‌شه!	عین الكلمات المناسبة لتكملة الفراغات. «کلمتان زایداتان»	الف) یا بَيْهی؛ إجْتَبَبَ مِن مع أخيك. ج) الْمُؤْمِنُونَ قَائِمُونَ أَمَامَ الْأَعْدَاءِ ك	۸
	«سیرة - الطین - النّزاع - القربان - بیان مرصوص - السّدی»	درس دوم		
۰/۵	برای هل این سوال باید واژه‌های روشی فونده باشی!	اکتُب جمّع او مُفردة الكلمة التي تختتها خطًّ.		۹
۰/۲۵	سه کلمه باهم و به تشابه دارند!	الف) أطْلَقَ الصَّيَادُ فَرَائِسَهُ.		۱۰
۰/۵	بیهه‌ها؛ این سوال فلی دقت هن فوار! هواستون هم به ترجمه و هم به قواعد باشد!	عین الكلمة الغريبة في المعنى.		۱۱
۰/۷۵	پهون فعل در فعله است. باید هواستون باشد که در عبارت په طور ترجمه می‌شه!	الْف) يَقُولُ جَدِّي كُلَّ يَوْمٍ أما مامي ذكريات الشَّبابِ. الْب) رَأَيْتُ صَدِيقِي لِكِنْ إِسْمَهُ. الْج) لَمْ أَتَذَكَّرْ لَمْ يَتَذَكَّرْ.		۱۲
۱	بادرتون که هست «حال» همون قید فالالت فارسی!	ترجم الأفعال التي تختتها خطًّ.		۱۳
۱	ایران توشه‌ای برای موفقیت	عین الحال ثم ترجم العبارات حسب قواعد «الحال».		۱۴
۰/۵	فقط باید ترجمه شکنی!	الف) بَيْتِي تَكْبُبٌ وَاجْتِهَا الْمَذْرِسَيَّةُ سَاعِيَةً. الْب) تَفَحَّصُ تلک الْطَّبَيِّبَةُ الْمَرِيضَاتِ وَهُنَّ مُضْطَرِّبَاتٍ. الْج) عَرَفْتُ ساکنی هذه القرية و هم يَزَّرون الرُّزْ. الْد) أَيْتَهَا الْوَالِدَةُ؛ عَلَمَيْ سِيرَةَ حَسَنَةَ إِلَى طَفْلِكِ مُحِبَّةٌ عَلَيْهِما.		۱۵
۱	فوب گناه کنید هال په کسی رو می‌خواین انتقام کنید؛ آره درسته منتظر ۳ «ذواللهه»!	انتخبْ كَلِمَةً مُنْاسِيَةً لِلْفَرَاغِ.		
		الف) قُمْتُ لاخترام أبي ثم جَاءَتُ. (□ الْمُبَتَّسِمُ - □ مُؤَدِّيًّا - □ تَشِيطِينِ) الْب) يَسْتَطِعُ شَعْبُ إِيْرَانَ أَنْ يُقاومَ أَمَامَ الْعِدَادَ عَلَى كُلِّ الْأَمْوَرِ. (□ قادِرِيَّ - □ الْقَادِرَاتِ - □ الْقَادِرِ) الْج) يُرِيدُ أَفْيَانُهَا أَنْ يُسَافِرُوا إِلَى مَشَهِدِ الْقَطَارِ. (□ وَهِيَ رَاكِبَةً - □ وَأَنْتُمْ تَرْكُوبُونَ - □ وَهُمْ يَرْكُوبُونَ) الْد) تَعِيْسُ هَاتَانِ الْمَرْأَتَيْنِ عَلَى اللَّهِ فِي حَيَاتِهِمَا. (□ الْمُتَوَكِّلَةُ - □ مُتَوَكِّلَيْنِ - □ مُتَوَكِّلُونَ)		

رده	کلیه رشته‌ها به جز رشته انسانی	مدت آزمون: ۱۰۰ دقیقه	kheilisabz.com	عربی، زبان قرآن (۳)
نوبت اول پایه دوازدهم دوره متوسطه دوم	آزمون شماره ۱	نوبت اول پایه دوازدهم دوره متوسطه دوم	نوبت اول پایه دوازدهم دوره متوسطه دوم	ردیف
۱۵	عَيْنُ الصَّحِيحَ لِكُلِّ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا حَطٌّ. ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ امْطُمِّنْتُ إِلَى رِجْعِي إِلَى رَبِّكِ راضِيَةً مَرْضِيَةً﴾ الف) الْمُطْمِنَّةُ:	همه دانشمن روبه کارگیرید و عجله نکنید!		۱۶
۰/۷۵	﴿فَعَلَ ماضِي – ثَلَاثَيْ مُزِيدٍ – سُومُ شَخْصٍ مُؤَنَّثٌ / فَاعِلٌ آنِ أَئْتِ﴾ ﴿ثَلَاثَيْ مُجَرَّدٍ – مُؤَنَّثٍ – دُومُ شَخْصٍ / فَاعِلٌ آنِ «رَبٌّ»﴾ ﴿فَعَلَ امْرٍ – دُومُ شَخْصٍ – مُفَرِّدٍ – ثَلَاثَيْ مُجَرَّدٍ / فَاعِلٌ آنِ «يٌ»﴾ ج) راضِيَةً: ﴿أَسْمَ – مَعْرِفَه – مَذْكُورٍ – مُفَرِّدٍ / مَفْعُولٍ﴾ ﴿أَسْمَ – مُؤَنَّثٍ – مُفَرِّدٍ – نَكْرَهٍ / صَفَتٌ بَرَاءَةً لِـ«رَبٌّ»﴾ ﴿مُفَرِّدٍ – مُؤَنَّثٍ – نَكْرَهٍ / حَالٍ﴾ ترکیبی:	لوب تریفه کن و علامت رو بزن!	عَيْنُ الْجُمَلَةِ الصَّحِيحَةَ وَعَيْنُ الصَّحِيحَةِ حَسْبُ الْحَقِيقَةِ وَالْوَاقِعِ. ✖ الف) يَسْتَطِيُ الْمُسَافِرُونَ أَنْ يَرْكِبُوا الْقَطَارَ دُونَ يَطَّافَةٍ..... ب) كَسَرَ إِبْرَاهِيمُ أَصْنَامَ الْمُشْرِكِينَ بِالْفَأْسِ فِي الْكَعْبَةِ..... ج) أَنْزَلَ اللَّهُ الْقُرْآنَ بِالْلُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ لِأَنَّهَا أَسْهَلُ لُغَةٍ فِي الْعَالَمِ.....	۱۷
۲۰	موفق باشید	جمع نمرات		

ایران توشه

توشه‌ای برای موفقیت

رده	kheilisabz.com	مدت آزمون: ۱۰۰ دقیقه	کلیه رشته‌ها بهجز رشته انسانی	عربی، زبان قرآن (۳)
نوبت دوم پایه دوازدهم دوره متوسطه دوم	آزمون شماره ۹	الف) مهارت واژه‌شناسی (۲ نمره) ترجم الکلمات الّی تھتھا خط۔ علینا فی الابحاث العلمیة ان نقرأ کتاباً من الکتاب الفکرین حتی تصل إلی أعمق العلوم.	۱	ردیف
۰/۵		اکتب فی الفراغ الکلمات المترادفات و الکلمات المتضادیں. «تفنی - حلم - صراع - زجا - صداع - سلم»	۲	
۰/۲۵	الفسنان <input type="checkbox"/>	الملبس <input type="checkbox"/>	الحل <input type="checkbox"/>	الكساء <input type="checkbox"/>
۰/۲۵				اکتب مفرد الکلمة الّی تھتھا خط۔ الثؤوس آلات تستفاد لقطع الأشجار.
۱/۵				ب) مهارت ترجمه به فارسی (۸/۵ نمره) ترجم هذه الجمل.
۱				الف) اعلمی ان التجربة لا تعارض عدم قراءة الكتاب فإن الكتب كثیر التجربة.
۱				ب) ترى هناك هجاجاً يطوفون الكعبة ويسسلمون الحجر.
۱				ج) بعض الناس لا يأكلون الطعام بل يتغذون.
۱				د) لدى كل إنسان أحلام لا يصل إليها إلا بجد.
۰/۵				ترجم هذه العبارات حسب القواعد.
۰/۵				الف) لا بعد أصعب من بعد الأم من طفلها الصغير.
۰/۵				ب) أريد أن أذهب إلى المطعم ليته يفتح الآن.
۰/۵				ج) جاء سائق سيارة الأجرة وهو كان يتكلم بحالي.
۰/۵				د) عندما نظرت خل اللہ آمنت به إيمان المؤمنين.
۰/۵				ه) يسبح لله من في السماوات والأرض سبيحا.
۰/۵				اتخِ الترجمة الصحيحة.
۰/۵				الف) تعطى الكتب للإنسان تجارب الناس على ملايين السنين لا توجد إلا في الكتاب.
۱				۱) كتابها به انسان تجربه‌های مردم را در گذر هزاران سال می‌دهد که فقط در کتاب یافت می‌شود.
				۲) کتابها تجربه‌های انسان را به مردم در طول هزاران سال می‌دهد که جز در کتاب‌ها پیدا نمی‌شود.
				ب) گل آنستی قاده الثقیة الثقیة فی قولهم و عملهم.
				۱) هر یک از امامان ما در گفتار و عملشان رهبری باقیوا و پاک بودند.
				۲) تمام امامان ما، رهبران پرهیزگار و پاک در گفتار و عملشان هستند.
۱				کل الفراغات في الترجمة الفارسية.
				الف) ذہبنا معاً ٹوہا فریق گرہا الی مشاهدة المسابقات و بقینا لیلاً فی حیمة قرب الملعب.
				با قیم والیبال به دیدن مسابقات رفتیم و یک شب در نزدیک ورزشگاه ماندیم.
				ب) لا یشتری النساء ایضاً إذا غلت ولكن یشترون إذا رحصت.
				وقتی كالاها مردم نمی خرند ولی هنگامی که می خرند.



آزمون شماره ٦

ج) مهارت شناخت و کاربرد قواعد (٦/٥ نمره)

تَرْجِمَ الْأَفْعَالِ الَّتِي تَحْتَهَا حَطٌّ.

(الف) لَمْ يُجَالِسُوا مَعَ الصَّدِيقِ السُّوءِ.

ج) يُقَالُ إِنَّ الْإِعْصَارَ قَرِيبٌ مِّنْ هُنَا.

هـ) يَا صَدِيقِي: أَتَتَذَكَّرُ الْأَيَّامُ الَّتِي كُنَا فِي الثَّانِيَةِ مَعًا؟

ز) «إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ»

ب) رَجَاءٌ، لَا تَمْتَنِعُوا عَنِ الْقَوْلِ الْخَيْرِ.

د) أَيُّهَا الطَّلَابُ: أَتَقُولُوا هَذِهِ الْكُتبَ إِلَى الْمَكْتَبَةِ

و) كَانَتْ مُعَالِمُنَا تَعْمَلُنَا جَيِّدًا فِي الصَّفِيفِ.

ح) لَنْ يَتَجَنَّبُوا عَنِ الْكَلَامِ السُّوءِ مَعَ الْدِيَمِ.

عَيْنُ الْفَعْلِ الْمُنَاسِبِ لِلْفَرَاغِ.

الف) الْبَهَائِمُ فِي هَذِهِ الْمَزَرَعَةِ. (☐ تَرْعَى - ☐ لَا تَرْعَى - ☐ لَمْ يَرْعَ).

ب) سَعْيُ الْحَلِيلِ بِسَبِيلِ قَلْتَهِ فِي السَّوقِ. (☐ يَغْلُو - ☐ يُثْنِي - ☐ يَرْحُصُ)

عَيْنُ الْمَحَلِّ الْأَعْرَابِيِّ لِلْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا حَطٌّ، فِي مَا يَلِي.

ب) (فَاصْبِرْ صَبِرًا جَيِّلًا).

د) «وَ لَا تَهِنُوا وَ لَا تَحْزُنُوا وَ أَتْسِمُ الْأَعْلَوْنَ».

(الف) كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهُهُ.

(ج) (كَلْمَ اللَّهُ مُوسَى تَكْلِيمًا).

(هـ) لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّى يُبَحِّبَ لِأَخِيهِ مَا يَحْبِبُ لِنَفْسِهِ.

عَيْنُ اسْمِ الْفَاعِلِ وَ اسْمِ الْمَفْعُولِ وَ اسْمِ الْمُبَالَغَةِ وَ اسْمِ التَّقْضِيلِ وَ اسْمِ الْمَكَانِ.

ب) لَيْسَ شَيْءٌ أَقْتُلُ فِي الْمِيزَانِ مِنَ الْحُكْمِ الْخَيْرِ.

د) أَحَبُّ يُبَوِّتُكُمْ إِلَى اللَّهِ يَبْيَثُ فِيهِ يَتَبَيَّمُ مُكَرَّمٌ.

و) جَاءَتْ أُنْيَى الْحَتَّانَ إِلَى الْفَطْحَنِ يُخْضِرُنَا أَطْعَمَةً لَذِيَّةً.

(الف) الْأَعْلَمُ حَيٌّ وَ إِنْ كَانَ مَيِّتًا.

(ج) الْمَسَاجِدُ بَيْوُتُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ.

(هـ) كُلُّوا وَ اشْرِبُوا وَ لَا تُشْرِفُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ.

د) مهارت درک و فهم (٣ نمره)

إِنْتَخِبِ الْكَلِمَةَ الْمُنَاسِبَةَ لِلْفَرَاغِ.

«الْحُمَىٰ - وَائِقاً - الشَّرِيحةٌ - الْخِنْفِ - الشَّدَادِ - الْحَيْمَةٌ»

ب) يَتَوَكَّلُ الْمُؤْمِنُ عَلَى اللَّهِ عِنْدَ .

د) كُنَّا ذَهَبْنَا إِلَى السَّفَرَةِ الْعِلْمِيَّةِ فَيَقِنَّا لَيْلًا فِي .

الف) كُنْ عَلَى تَفْسِيكِ حَتَّى تَصِلَ إِلَى قَمَمِ النَّجَاحِ.

ج) جَاهَدَ إِبْرَاهِيمُ مَعَ عَقَائِيدِ قَوْمِ الْمُشْرِكِينَ.

عَيْنُ الْكَلِمَةِ الْمُنَاسِبَةِ لِلْتَّوْضِيحِ.

الف) الْمَرْحَلَةُ الدَّرَاسِيَّةُ بَعْدَ الْإِبْتِدَائِيَّةِ. (☐ الْأَثَانِيَّةِ - ☐ الْأَنْشُودَةِ - ☐ الْعَاصِمَةِ)

ب) الْأَتَارِكُ لِلْبَاطِلِ وَ الْمُتَمَاهِلُ إِلَى الدِّينِ الْحَقِّ. (☐ الْمُجِيبِ - ☐ الْلَّئِيمِ - ☐ الْخِنْفِ)

إِقْرَأُ الْتَّصُّصَ الْثَالِيَّ؛ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئِلَةِ الْثَالِيَّةِ.

الْأَسْمَاءُ كَانَتْ تَلْعَبُ فِي الصَّبَاحِ عَلَى سَطْحِ الْبَحْرِ يَبْيَثُمَا هَذِهِ كَانَتْ مَشْغُولَةً بِاللَّعِبِ وَ كَانَتْ فِي أَحْلَامِهَا وَ فَجَأَهُ شَعَرَتْ بِشَيْءٍ عَظِيمٍ فَوْقَ رُؤُوسِهَا.

نَظَرَتِ الْأَسْمَاكُ إِلَى الْفُوقِ وَ فِي هَذَا الْوَقْتِ أَخَذَتِ الشَّبَكَةُ الْكَبِيرَةُ كُلَّ الْأَسْمَاكَ فَأَرَادَتْ أَنْ تَتَخَلَّصَ مِنَ الشَّبَكَةِ وَ لَكِنْ لَمْ تَسْتَطِعْ عَلَى هَذَا الْأَمْرِ وَحِيدَةً.

قَالَتْ إِحْدَاهَا: أَيُّهَا الْأَصْدِيقَاءُ؛ الْتَّجَاهُ فِي التَّعَاوِنِ فِي مِثْلِ هَذِهِ الظُّرُوفِ الْقَاسِيَّةِ. عَلَيْنَا أَنْ نَحَاوِلَ جَمِيعًا حَتَّى تَصِلَ إِلَى التَّجَاهِ.

وَ بَعْدَ ذَلِكَ إِسْتَطَاعَتْ أَنْ تَتَخَلَّصَ مِنْ ذَلِكَ وَ رَجَعَتْ إِلَى الْبَحْرِ.

الف) مَا طَرِيقُ التَّجَاهِ فِي الظُّرُوفِ الْقَاسِيَّةِ؟

ب) مَتَى إِسْتَطَاعَتْ أَنْ تَتَخَلَّصَ مِنَ الشَّبَكَةِ؟

ج) أَيْنَ وَقَعَتِ فِي الشَّبَكَةِ؟

د) مَاذَا شَعَرَتِ الْأَسْمَاكُ عِنْدَمَا كَانَتْ فِي الْلَّعِبِ؟

رده	kheilisabz.com	مدت آزمون: ۱۰۰ دقیقه	کلیه رشته‌ها بهجز رشته انسانی	عربی، زبان قرآن (۳)
نوبت دوم پایه دوازدهم دوره متوسطه دوم	آزمون شماره ۹	رده		
۰/۵	عَيْنُ الصَّحِيحَ عَنِ الْمَفْهومِ: قَيْلَ هَلْ مِنْ شَاهِدٍ قَالَ الذَّبْ زَ مَعْرُوفَانْ گَواهَشْ بَوْدَ دَنْبَالْ بَرَ زَمِينَتْ مَىْ زَنْدَ نَادَانْ دَوْسَتْ وَ إِنْ أَنْتَ أَكْرَمْتَ الْلَّهِيَمْ تَمَرَّدَا ئَنْ دَوْسَتْ وَ دَشْمَنْ بَدَانْ دَرْ مَبَندْ فَزُونْ گَرَدَدَشْ كِبَرْ وَ گَرَدَنْ كَشِي	الف) «إِذَأَنْتَ أَكْرَمْتَ الْكَرِيمَ مَلَكَتْهُ ا) زَ رَوْبَاهَى بَپِرسِيدَنَدَ اَحْوَالَ ب) إِذَا أَنْتَ أَكْرَمْتَ أَكْرَمْتَ أَكْرَمْتَ أَكْرَمْتَ ا) هَرَ آنْ چِيزْ كَانَتْ نِيَايدِ پَسَندَ ب) چَوْ بَا سِفَلَهْ گَوَيِي بَهْ لَطَفَ وَ خَوْشِي	۱۶	
۲۰	جمع نمرات	موفق باشد		



پاسخنامه تشریحی

تندیسی از سنج یا چوب یا آهن که به جای خدا پرستش می‌شود ← (۱): صَمَّ بَتْ ترجمة واژگان: «روش - گل - کشمکش - قربانی - ساختمانی استوار - بیهوده و پوچ» الف) ای پسرکم؛ دوری کن از با برادرت. **الْتَّرَاعُ: کشمکش** «ب» در زندگی ام دوستی برمی‌گزینم که مرا دور می‌کند از کار **السَّدَّى: بیهوده و پوچ** «ج» مؤمنان ایستاده‌اند جلوی دشمنان مانند **بَيْانٌ مَّرْصُوصٌ: ساختمانی استوار**

۵) آفریده شد انسان از **الطَّيْنٌ: گل** مفرد ← فَرَائِسُ فَرَيْسَةً

۶-الف) شکارچی شکارهایش را رها کرد. **فَرَائِسُ: قَمَّةُ** ← قَمَّةً جمع دهان زبان دست دندان

۷-ب) از کوه دماوند بالا می‌رویم. **فَرَائِسُ: دَهَانٌ** ← دَهَان

۸-گزینه‌های دیگر همگی مربوط به دهان هستند، اما «ید: دست» از اعضای بدن است. **فَرَائِسُ: دَهَانٌ** ← دَهَان

۹-الف) پدربرزگم هر روز می‌گوید: خاطرات جوانی از مقابلم.

۱۰-ب) گذر می‌کرد گذر می‌کند گذر کرده است

۱۱-می خواهیم هم از لحاظ ترجمه و هم معنی به جواب درست برسیم. از نظر معنی که لحن جمله مضارع است، پس فعل مضارع می خواهیم «کان یَمِرُّ: ماضی استمراری» و «قَدْ مَرَّ: ماضی نقلي» هر دو رفتن پی کار خودشان!

۱۲-از نظر قواعد چون «ذِكْرِيَات» که فاعل است «جمع غیر عاقل» است، فعل «مفرد مؤنث» به کار می‌رود و فقط «تَمَرُّ» مفرد مؤنث است.

۱۳-ب) دیدم دوستم، را، ولی اسمش را.

۱۴-ج) به یاد نیاوردم به یاد نخواهد آورد به یاد می‌آوریم

۱۵-جواب این سوال راحت است، البته به شرطی که بدانیم «لَمْ أَتَذَكَّرُ: معادل ماضی منفی» و «لَنْ يَتَذَكَّرُ: آینده منفی» است! حالاً کار آسان شد، از لحن جمله می فهمیم که باید فعل ماضی (گذشته) به کار ببریم، پس جواب را پیدا کردیم. اگر هم بخواهیم از راه قواعد جواب را پیدا کنیم، چون «رَأَيْتُ: اول شخص مفرد» است فقط «لَمْ أَتَذَكَّرُ: اول شخص مفرد» می تواند جواب درست باشد.

۱۶-الف) ای جوانان ایران؛ هرگز از آرزوهایتان سست نشوید.

۱۷-لا تهنو فعل نهی است.

۱۸-ب) با نزدیکانت دیدار کن تا خداوند به تو عمری دوچندان بدهد.

۱۹-رُز ← فعل امر است.

۲۰-ج) ای کاش دوستانم را به خوبی **یاد کنند** هنگامی که می‌میرم.

۲۱-چون قبل از «یَدِكُرُون»، «لَيْثٌ» آمده، باید فعل را به صورت «مضارع التزامی» ترجمه کنیم.

۲۲-الف) دخترکم تکلیف‌های مدرسه‌اش را با تلاش می‌نویسد. ← حال: ساعیه ب) آن پزشک، بیماران را در حالی که اضطراب دارند معاینه می‌کند. ← حال: وَهُنَّ مُضطَّرَّبَات

۲۳-ج) ساکنان این روستا را در حالی که برج می‌کاشتند، شناختم. ← حال: وَهُنَّ يَرْزَعُونَ

۲۴-د) ای مادر؛ راه و رسم نیک را به دو کودکت در حالی که آن‌ها را دوست داری، بیاموز.

۲۵-حال: مُجْعَيَّةً ←

۲۶-الف) همیشه به دانش‌آموزانم می‌گویم؛ در زندگی‌تان بر تان اعتماد کنید.

۲۷-فرزنдан اجبار خود

۲۸-وقتی نگاه می‌کنیم به گزینه‌ها، «اکراه؛ اجبار» بلافصله حذف می‌شود، چون کاملاً با عبارت بی ارتباط است؛ و بیشتر که توجه می‌کنیم به ابتدای عبارت، متوجه می‌شویم استاد به دانش‌آموزان می‌گوید، پس «أَوْلَادٌ: فرزندان» در جای خالی بی معنا است.

﴿آزمون شماره ۱ (نوبت اول)﴾

۱-الف) جوانان شروع به **کشمکش** کردند و یکدیگر را زدند تا **کتف** یکی از آن‌ها شکست.

۲-ب) ابراهیم **یکتاپرست** با عقیده‌های مشرکان جنگید و **مراسم** دینی درست را میان مردم بریا کرد.

۳-الف) گزینه «۲»؛ از همان ابتدای ترجمه کد نگاه کنیم مشخص است گزینه «۱» (ذو:

دارای، صاحب و «لَكُنْ: ولی» ترجمه نشده است و **فَقْلُ: بخشش** هم در این گزینه، اشتباه ترجمه شده است و هم این که صفت برای **الله** «گرفته شده است. همین‌ها کافیه آیا!! ولی نه خوب است همه به آخر این آیه نگاه کنید: «لَا يَشْكُرُونَ»، دقیق‌تر نگاه کنید

که با «لَا يَشْكُرُونَ» اشتباه نشود، چون در گزینه «۱» برای به دام انداختن شما «شُرک نمی‌ورزند» معنا شده است!!! شما مثل عقب تیزبین هستید و اشتباه نخواهید کرد.

۴-ب) گزینه «۲»؛ «الناس» معرفه به «ال» است، ولی در گزینه «۱» به صورت نکره ترجمه شده است. «أَنْ يَتَجَبَّبُوا» معادل فعل مضارع التزامی است، در حالی که در گزینه «۱» بد صورت ماضی استمراری ترجمه شده است و نادرست می‌باشد. مطلب آخر این که «لَأَنْ»

به معنای «زیرا، برای این که» است و ترجمه «که» در اینجا نادرست می‌باشد.

۵-الف) و عقل و قلم را با دانش‌های **سودمند**، **روشن** کن.

۶-ا) ایزت: فعل امر است.

۷-ب) سخنان تو را **نایابد غمگین کند** همانا همه **ارجمندی** برای خدا است.

۸-لا **یَحْرُنُ**: فعل نهی است.

۹-الف) جز آن‌چه به ما آموخته‌ای، هیچ دانشی نداریم (برای ما نیست).

۱۰-آن: **داریم** و چون در جمله منفی است «نداریم» ترجمه می‌شود. / «ما» قبل از فعل

ماضی است، ولی «آن‌چه» ترجمه می‌شود، چون «ما»ی نافیه نیست.

۱۱-ب) هیچ لباسی زیباتر از سلامتی نیست.

۱۲-لای نفی جنس «هیچ نیست» ترجمه می‌شود. / بعد از «أَجْمَلُ» که اسم تفضیل است

«مِنْ» آمده، پس در ترجمه، «تر» بیان می‌شود «أَغْنَى مِنْ: بی نیازتر از».

۱۳-الف) همانا ما آن را قرآنی عربی قرار دادیم شاید شما اندیشه کنید.

۱۴-«لَقَلُ» حرف مشبهه بالفعل است.

۱۵-در این عبارت هم بعد از «لَقَلُ» فعل مضارع قرار گرفته که به صورت «مضارع التزامی»

ترجمه می‌شود.

۱۶-ب) ای براورنده دعاها، ای کاش تو امام زمان ما را بفرستی تا در زندگی، ما را یاری کند.

۱۷-«لَيْثٌ» حرف مشبهه بالفعل است.

۱۸-به خاطر «لَيْثٌ» فعل بعد از آن «تَرْسِيلٌ» به صورت «مضارع التزامی» ترجمه می‌شود.

۱۹-حتی یعنی: معادل مضارع التزامی است.

۲۰-ج) توجه کنید؛ شاید استخوان‌های پایتان در مسابقه‌های فوتبال بشکند. / «لَقَلُ» حرف

مشبهه بالفعل است.

۲۱-«إِشْهُوا» فعل امر است. / فعل مضارع بعد از «لَقَلُ» رابه صورت «مضارع التزامی» ترجمه می‌کنیم.

۲۲-عضوی از اعضای بدن که بالای تنه واقع است ← (۴): **كَيْتَه: شانه**

ابزاری که دارای دستهای از چوب و دندانهای پهن از آهن است که به وسیله آن بریده

می‌شود ← (۵): **فَأس: تبر**

رهانکننده باطل و خواهان دین حق است ← (۶): **خَنِيفٌ: یکتاپرست**

ب) انسان هیچ وقت به اهدافش نمی‌رسد.

فعال تبل

گرم و صمیمی

باید دقت کنیم که فعل جمله منفی است «لا یصل: نمی‌رسد» و از معنای عبارت مشخص است کامل کننده عبارت «الْكَسْلَان: تبل» است که با تنبیاش به هدف‌هایش نمی‌رسد.

[همه شما گرینه اولی هستید؛ الشیط: فعل]

۱۵- (الف) ایستادم برای احترام گذاشتن به پدرم سپس نشستم. «مُؤَذِّبًاً با ادب» نویسی هم باشد نوبت «حال» است، «الْمُتَبَّسِّم» همان اول کار یک خط بکشید رویش، چون حال که «ال» نمی‌گیرد؛ «شیطین» هم جواب نیست، چون از معنای عبارت مشخص است که «حال من» که به احترام پدرم ایستادم بیان می‌شود. «من» مفرد است، ولی «شیطین» مثنی است.

ب) ملت ایران می‌تواند با توانایی بر همه کارها، مقابل دشمنان مقاومت کند. « قادرین: توانا » همین اول کار «القدرات، القادر» حذف می‌شود، چون این را می‌دانیم که حال «ال» نمی‌گیرد. به این هم توجه کنید که عبارت در مورد «الْعَدَاة» که جمع مذکور است صحبت می‌کند، پس « قادرین » که جمع مذکور است پاسخ درست است.

ج) خوشاوندانمان می‌خواهند به مشهد مسافت کنند قطار. «و هُمْ يَرْكِبُون: در حالی که آن‌ها سوار قطار می‌شوند»

یک سوال، عبارت در مورد چه کسانی توضیح می‌دهد؟ پس درست است «أَقْرِيَاء: خوشاوندان» که جمع مذکور است و فعل‌های جمله هم برای «أَقْرِيَاء» سوم شخص به کار رفته؛ با همین مطلب جواب را پیدا کردید. «و هي راكبة» که مفرد مؤنث است، پس حذف می‌شود. «و أَئْتُهُمْ كُبُون» جمع مذکور است، ولی دوم شخص هم است، پس نامناسب است، ولی «و هُمْ يَرْكِبُون» هم جمع مذکور است و هم سوم شخص، بنابراین جواب صحیح مشخص شد.

۵) این زنان در زندگی شان بر خدا زندگی می‌کنند. «مُتَوَكِّلَاتٍ: با توکل» باز هم اول کار «المُتَوَكِّلة» چون «ال» دارد حذف می‌شود و چون «المُرْأَاتُ» مثنای مؤنث است، «مُتَوَكِّلَاتٍ» پاسخ مناسب است و «مُتَوَكِّلُون» جمع مذکور است، پس برای جای خالی نامناسب است.

۶- (الف) گرینه «۱»؛ الْمُطْمَئِنَة: چون «ال» دارد اسم است. / «ة» دارد، پس مفرد مؤنث است. / «ال» دارد معروف است. / جون ویزگی «النفس» را بیان می‌کند، صفت آن محسوب می‌شود. **نکته:** «النفس» مؤنث معنی است، به همین منظور «المُطْمَئِنَة» که صفت آن است مؤنث آمده است.

ب) گزینه «۳»؛ از جمعی: از ظاهر فعل مشخص است که اول آن «همز» اضافه شده است و آخر آن «جزوم» است، بنابراین فعل امر است. با توجه به شناسه «ی»، دوم شخص مفرد مؤنث می‌باشد. / اسمی که حرکت «ة» داشته باشد بعد از فعل نیامده است، پس فاعل از نوع «اسم ظاهر» نیست، ولی فعل «از جمعی» شناسه «ی» دارد که فاعل جمله محسوب می‌شود.

ج) گزینه «۳»؛ راضیه: چون تنوین دارد اسم و نکره است. / «ة» دارد، پس مفرد مؤنث است. / به دلیل این که حالت «النفس» را بیان می‌کند و هم تنوین «ة» دارد، پس حال است.

۷- (الف) مسافران می‌توانند بدون بلیت سوار قطار شوند. ← (✗)

ب) ابراهیم بت‌های مشرکان را با تبر در کعبه شکست. ← (✓)

ج) خداوند قرآن را به زبان عربی نازل کرد، زیرا ساده‌ترین زبان در جهان است. ← (✗)



- ۱۰- الف) چهارپایان در این مزرعه.
 چریدیم - نمی‌چرند - نچرید
- باید به داده‌های جمله توجه کنیم، پس برویم سراغ «البیهائی» که جمع مکسر و غیر عاقل است، بنابراین باید فعلی که انتخاب می‌کنیم «فرد مؤثث» باشد، پس جواب را پیدا کردیم: «لَأَرْتُّعِنِي نَحْيٌ صَرِيدٌ». اما چون چهارپایان جمع است به شکل نمی‌چرند می‌اید.
- ب) قیمت شیر به دلیل کمی اش در بازار.
- گران می‌شود - بی‌نیاز می‌شود - ارزان می‌شود
- فقط کافی است که به ترجمة عبارت و گزینه‌ها توجه کنیم تا به سادگی گزینه «یغلو: گران می‌شود» را برای عبارت، که اشاره به افزایش قیمت اجتناس در بازار در زمان کمبودشان دارد، انتخاب کنیم.
- ۱۱- الف) **ترجمه:** هر چیزی از بین رفتنه است به جز ذات او (خداؤند).
 اسمی که جمله با آن شروع می‌شود چه نقشی داشت؟ احسنت، پس «کُلُّ» مبتدا است.
 نوبت به «وَجْهٌ» که بعد از «إِلَّا» فرار گرفته و از کلمه «كُلُّ» جدا شده است می‌رسد همین توضیح، یعنی «وجه» مستثنی است!
- ب) **ترجمه:** پس به زیبایی شکیبا باش.
- «صبراً» مصدر فعل جمله است بعدش هم صفت آمده، بنابراین مطمئناً «مفهول مطلق نوعی» است.
- ج) **ترجمه:** بی‌گمان خدا با موسي صحبت کرد.
 در این عبارت «تكلیمیاً» که مصدر «كُلُّ» است تنها آمده و بعدش صفت یا مضافقالیه ندارد، پس «مفهول مطلق تأکیدی» است.
- د) **ترجمه:** و سست نشود و غمگین نباشید در حالی که شما برترید.
 ترکیب «و + ضمیر + ...» که بیان کننده حالت است، «حال» است.
- ه) **ترجمه:** هیچ کدام از شما ایمان ندارد تا آن‌چه برای خودش دوست می‌دارد برادرش دوست بدارد.
- هم می‌توانیم از ترجمة عبارت و هم از حرکت «ـ» در آخر «أَحَدٌ» متوجه شویم که «أَحَدٌ» فاعل است.
 برویم سراغ ضمیر «ه» که به اسم «أخي» چسبیده است، بنابر قول و قرار مون! وقتی ضمیر به اسم بچسبید «مضافقالیه» است. باز هم فرار داشتیم که تا دیدیم اسمی «ـ» دارد به کلمه قبلش نگاه کنیم، قبل از «نفس»، حرف جز «ـ» آمده است حالا دلیل کسره گرفتن «نفس» را فهمیدیم؛ بله درست است، این اسم، «مجذور به حرف جز» است.
- ۱۲- الف) **ترجمه:** دانشمند زنده است و (حتی) اگر مرده باشد.
- «العالم» بر وزن «فاعل» است ← اسم فاعل
- ب) **ترجمه:** هیچ چیزی در میزان (قيامت) سنگین‌تر از اخلاق نیکو نیست.
 «أَقْلَلُ» بر وزن «أَفْعَلُ» است ← اسم تفضیل
 (جمه) مسجدها خانه‌های شما نزد خداوند خانه‌ای است که در آن یتیمی گرامی داشته شود.
- «أَخْبَرُ» بر وزن «أَفْعَلُ» است ← اسم تفضیل
 «مُكَرَّمٌ» در ابتدایش «مُـ» آمده و حرکت حرف ماقبل آخرش «ـ» است ← اسم مفعول
 ه) **ترجمه:** بخورد و بیاشامید و اسراف نکنید قطعاً خداوند اسراف کنندگان را دوست ندارد.
 «الْمُسْرِفُ» در ابتدایش «مُـ» آمده و حرکت حرف ماقبل آخرش «ـ» است ← اسم فاعل
 و) **ترجمه:** مادر بسیار مهربانیم به آشپزخانه آمد تا غذاهای خوشمزه‌ای برای ما آماده کند.
 «الْأَخْنَانُ» بر وزن «فعال» است ← اسم مبالغه
 «الْمَطْبِخُ» بر وزن «قهْفَلُ» است ← اسم مکان
- ۱۳- ترجمة واژگان: «تب - مطمئن - سیم کارت - یکتاپرست - سختی ها - خیمه»
 الف) بر خودت باش، تا به قله‌های موقفيت برسی. «واشقان: مطمئن»
 ب) مؤمن بر خداوند توکل می‌کند هنگام «الشدادی: سختی ها»
 ج) جهاد کرد ابراهیم با عقیده‌های گروه مشترکان. «الخطیف: یکتاپرست»
 د) به سفر علمی رفته بودیم، پس ماندیم یک شب در «الْحَمِيمَة: خیمه»

آزمون شماره ۹ (نوبت دوم)

- ۱- ما باید در پژوهش‌های علمی کتاب‌هایی از نویسنده‌گان اندیشید بخوانیم تا به لذت‌بخش ترین دانش‌ها بررسیم.
- ۲- $\text{ثَمَّى} = \text{رجا} (\text{آرزو داشت})$ ـ صراع (کشمکش) ≠ سلم (صلح)
- ۳- جامه بیرون احرام لباس پیراهن زنانه غیر از گزینه «حل» بقیه گزینه‌ها جامه و لباس است.
- ۴- تبرها ابزاری هستند که برای بردیدن درختان استفاده می‌شوند.
- الف) **مفرد ← الفاس:** تبر
- ۵- الف) بدان که تجربه، نخواندن کتاب را جبران نمی‌کند، پس قطعاً کتاب‌ها مانند دریای تجربه هستند.
- ب) آن جا حاجیانی را می‌بینی که کعبه را طوف می‌کنند و سنگ را مسح می‌کنند.
- ج) برخی از مردم غذا را نمی‌خورند، بلکه آن را می‌بلغند.
- د) هر انسانی آرزوهایی دارد که فقط تراز دوری مادر از کودک کوچکش نیست.
- ۶- الف) هیچ دوری سخت‌تر از دوری مادر از کودک کوچکش نیست.
- ب) می‌خواهیم به رستوران بروم کاش آن هم اکنون باز باشد.
- ج) راننده تاکسی در حالی که با تلفن همراه صحبت می‌کرد آمد.
- د) هنگامی که آفرینش خداوند را دید به او مانند مؤمنان ایمان آورد.
- ه) بی‌گمان هر کس در آسمان‌ها و زمین است برای خدا تسبیح می‌کند.
- ۷- الف) گزینه «۱» در گزینه «۲» در گزینه «۱»؛ در گزینه «۲» «تجارت الناس» اشتباہی به شکل تجربه‌های انسان ترجمه شده است و در آخر جمله کلمه «الكتاب» به صورت جمع آمده است.
- ب) گزینه «۲»؛ همین ابتدای جمله برویم سراغ «كُلُّ أَئِمَّةٍ هُمَّ إِمامٌ» که به نادرستی در گزینه «۱» ترجمه شده است و کلمه «قاده» که جمع است، ولی در گزینه «۱» مفرد معنا شده است.
- ۸- الف) با علاقمندان تیم والیبال به دیدن مسابقات رفیتم و یک شب در چادری نزدیک ورزشگاه ماندیم.
- ب) وقتی کالاها **گران شود** مردم نمی‌خرند، ولی هنگامی که **ارزان شود** می‌خرند.
- ـ الف) با دوست بد همنشینی نکردن.
- ـ لـ + **يُجَالِسُون** ← آن يُجَالِسُوا معادل ماضی (ساده یا نقلی) منفی است؛ دقیقت کنید که «جالس» همنشینی کرد «با چلک» نشست «اشتباہ نشود».
- ـ ب) لطفاً از سخن نیکو **خودداری** نکنید.
- ـ لا + **تَمَّيِّعُون** ← لا تَمَّيِّعُون» چون حرف آخر فعل حذف شده، پس « فعل نهی» است.
- ـ ج) **گفته می‌شود** گردید ب به این جا نزدیک است.
- ـ يَتَّقَلُّ فعل مضارع مجھول از «يقول» است.
- ـ د) ای دانش‌آموزان، این کتاب‌ها را به کتابخانه **منتقل** کنید.
- ـ اُنْتَقَلُوا» فعل امر از ثلاثی مجرّد است.
- ـ ه) ای دوست من، آیا روزهایی را که با هم در دبیرستان بودیم به یاد می‌آوری؟
- ـ تَتَذَكَّرُ» فعل مضارع است و قبل از آن کلمه پرسشی «أ: آیا» است.
- ـ و) معلم ما در کلاس با ما به خوبی **رفتار می‌کرد**.
- ـ كَانَتْ تَعَامِلُ» معادل ماضی استمراری است.
- ـ ز) همانا ما قرآن را به زبان عربی قرار دادیم امید است شما **خودروزی** کنید.
- چون قبل از «تَعَقِّلُون»: مضارع، «أَلَعَلُّ» آمده، بنابراین باید آن را به صورت «مضارع التزامی» ترجمه کنیم.
- ـ ح) از سخن بد با پدر و مادرشان **دوری نخواهند کرد**.
- ـ لـ + **يَتَّجَبُون** ← لـ يَتَّجَبُوا معادل آینده منفی است.

۱۴- الف) مرحله تحصیلی بعد از ابتدایی است. (☑ دبیرستان - ☐ سرودها - ☐ پایخت)

ب) ترک کننده باطل و علاقه‌مند به دین حق است.

☐ برآورنده - ☐ فرمایه - ☑ یکتاپرست)

۱۵- **ترجمه‌من:** ماهی‌ها در صبح بر سطح آب بازی می‌کردند. در حالی که مشغول

بازی بودند و در رؤیاها یشان بودند ناگهان چیز بزرگ بالای سرشان احساس کردند.

ماهی‌ها به بالا نگاه کردند و در این هنگام تور بزرگ همه آن‌ها را گرفت.

پس آن‌ها خواستند که از تور رها شوند، ولی کار را به تنها یعنی نتوانستند.

یکی از آن‌ها گفت: ای دوستان؛ در چنین شرایط سخت، نجات در همکاری است.

ما باید همگی تلاش کنیم تا به موفقیت برسیم.

و بعد آن توانستند که از آن رها شوند و همگی به دریا بازگشتند.

(الف) التّعاوُن / راه نجات در شرایط سخت چیست؟ همکاری

(ب) عِنْدَمَا حَوَّلَتْ جَمِيعُهَا تَحْلُصَتْ مِنَ السُّبْكَةِ

چه وقت توانستند از تور رها شوند؟ هنگامی که همه تلاش کردند، از تور رها شدند.

(ج) عَلَى سَطْحِ الْبَحْرِ.

کجا به تور افتادند؟ روی سطح دریا

(د) سَعَرَثٌ بِسَيِّعٍ عَظِيمٍ قُوَّقُ رُؤُوسِهَا.

ماهی‌ها هنگامی که در بازی بودند چه چیزی احساس کردند؟ چیز بزرگی بالای

سرهایشان احساس کردند.

۱۶- (الف) گزینه «۱»: خُب عبارت در مورد مُثُل معروفی است که همه بدید: «به رویاه

می‌گن شاهدت کیه؟ می‌گه دُم» که گزینه (۱) به این موضوع به خوبی اشاره کرده است

و گزینه (۲) در مورد «دوست نادان» است.

ترجمه: رویاه چیزی را ادعا کرد و خواست، گفته شد آیا شاهدی داری؟ گفت: دُم.

(ب) گزینه «۲»: این عبارت در مورد احترام به افراد مختلف و اثر آن است که در گزینه (۲)

به آن اشاره شده و گزینه (۱) می‌گوید هر چه برای خود می‌پسندی برای دیگران هم بیسند.

ترجمه: اگر انسان بزرگوار را گرامی بداری او را فرمانروا شدی و اگر انسان فرمایه را

گرامی بداری نافرمانی کند.

ایران توشه

توشه‌ای برای موفقیت

درس نامه توب برای شب امتحان

مثال: «إِنَّى أَنَا اللَّهُ»: به درستی که من همان خدای هستم. (۱۴/۵)

نکته: این نکته مهم است پس حواستان را جمع کنید. اگر حرف «ما» به **إن** متصل شود (**إنما**), معنی «تنهای» و **فقط** می‌دهد و دیگر از حروف مشبهه بالفعل نیست.

مثال: إِنَّا الْقَعْدُ لِعَقْلٍ ثَبَتٌ: افتخار **تنهای** به خردی استوار است.

آن: به معنای **كه** می‌باشد.

دوستان خوب «آن» بین دو جمله می‌آید و آن دو را به هم پیوند می‌دهد.

مثال: إِعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ: بدایند که خداوند دارای مجازات شدید است. (شدید مجازات می‌کند). (المائدۃ/۹۸)

نکته: **آن**: هر وقت **آن** را در جمله‌ای دیدید آن را **گویی** و **مانند** ترجمه کنید. **آن** ارضاء جمیع الناس غایة لا تذرک: **گویی** خشنود ساختن همه مردم، هدفی است که به دست نمی‌آید.

لکن: به معنای **ولی** و **اتا** می‌باشد.

مثال: إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئًا وَ لِكُنَّ النَّاسُ أَنفَسُهُمْ يُظْلَمُونَ: خداوند هیچ به مردم ستم نمی‌کند **ولی** این مردم‌اند که به خویشتن ستم می‌کنند. (یوں/۳۶)

آنیت: به شکل «يا آنیت» هم می‌آید و به معنای **کاش** و **ای کاش** است.

«يا آنیت اعطنا الله»: **ای کاش** ما خدا را اطاعت می‌کردیم (کرده بودیم). (الحزاب/۶۶)

نکته: هرگاه **آنیت** به ضمیر متصل **ی** وصل شود، بین این دو «نوون و قایه» می‌آید

و به شکل «آنیت» می‌نویسیم (آنیت + ن) و قایه + ی = آنیتی.

مثال: يا لَيْتَ كُنْتُ ثَرَابًا: ای کاش من خاک بودم. (النار/۱۵۰)

لعل: به معنای **شاید** و **امید است** ترجمه می‌شود.

مثال: لَعْلَ السَّاعَةُ تَكُونُ فَرِيَادًا: شاید قیامت نزدیک باشد. (الحزاب/۶۳)

نکات معموم

حتماً تا به حال متوجه شده‌اید که به ترجمة انواع فعل در کتاب شما بسیار تأکید شده است؛ بنابراین حالاً بینیم که **لیت** و **لعل** در ترجمة فعل چه تغییری ایجاد می‌کنند.

نکته: اگر جمله‌ای دارای **لیت** و **لعل** باشد و بعد فعل مضارع بیاید (آنیت یا **لعل** + فعل مضارع) آن فعل مضارع را به صورت «مضارع الترامی» (پ+بن مضارع + شناسه) ترجمه می‌کنیم.

(آنیت یا **لعل** + فعل مضارع = مضارع الترامی)

مثال: إِنَّا جَعَلْنَا قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِتَلَكُّمَ عَنْقَلَنَ: مفهارع

بی‌گمان ما قرآنی را (به زبان) عربی قرار دادیم امید است شما خردورزی کنید. (الزخرف/۳) مفهارع الترامی

همان طور که در مثال می‌بینید **تعقلون** = خردورزی می‌کنید. فعل مضارع است ولی چون قبل از آن **لعل** آمده به شکل «مضارع الترامی» ترجمه می‌کنیم.

مثال: يا لَيْتَ قَوْمِي تَعْلَمُونَ: ای کاش خویشاوندانم **بدانند**. (یس/۱۶) مفهارع الترامی

اگر موافقید از هر کدام دوباره مثالی بینیم:

مثال: لَعْلُ الطَّلَابَ يَجْتَهِدُونَ: شاید دانشجویان تلاش کنند. مفهارع

مثال: لَيْتَ الشَّيْبَ يَغُرُّ: کاش جوانی برگرد. مفهارع

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ: الْدِّينُ وَالْتَّدْبِيرُ

الْحُرُوفُ الْمُشَبَّهَةُ بِالْفَعْلِ وَالْتَّافِيَةُ لِلْجُنُسِ وَمَعْنَاهَا

الْحُرُوفُ الْمُشَبَّهَةُ بِالْفَعْلِ

به مثال‌های زیر توجه کنید:

لف: إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلِكُنَّ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ: به

بی‌گمان وعده خدا حق است **ولی** بیشتر آن‌ها نمی‌دانند. (یوں/۵۵)

د: أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ هُوَ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ: آیا آن دانستی که حکومت آسمان‌ها و زمین، از آن خاست؟ (البقرة/۱۵۷)

به حروفی مانند **إن**, **آن**, **لکن**, **آنیت**, **لعل** «حروف مشبهه بالفعل» می‌گوییم.

این حروف بر سر جمله اسمیه می‌آیند و اعراب مبتدا را تغییر می‌دهند؛ یعنی مبتدای جمله را اسم خود و منصوب (ـ، ـ، ...) می‌کند و خبر جمله را خبر خود قرار داده و مفهوم (ـ، ـ، ...) می‌نماید.

بهتر است به چند مثال زیر به همراه تغییر حرکات کلمات توجه کنید:

لف: إِنَّ اللَّهُ لَا يَجِدُ الْمُقْسِدِينَ: **همان** خداوند بدکاران را دوست ندارد. (القصص/۷۷)

اسم **إن** و فیبر **إن**
منصوب

د: لَعْلُ الظَّرْفُ قَرِيبٌ: امید است پیروزی نزدیک باشد.

اسم **لعل** فیبر **لعل**
و منصوب

در مثال‌های بالا **الله** و **النصر** اسم **إن** و **لعل** هستند و همان طور که می‌بینید همه این اسم‌ها منصوب (ـ، ـ، ...) اند؛ هم‌چنین «لا يَجِدُ» خبر از نوع جمله برای **إن** و **قریب** «خبر **لعل**» است.

اما یک نکته ریز اینجا هست! اگر اسم «حروف مشبهه بالفعل» ضمیر بود، حرکت ضمیر تغییر نمی‌کند.

د: كَانَ هُمْ بَيْنَانَ مَرْضُوضٍ: **گویی** آن‌ها ساختمانی استوارند. (المسد/۱۴)

اسم **كان** فیبر **كان**

همان طور که می‌بینید، ضمیر **هم** در مثال بالا اسم **آن** می‌باشد ولی چون ضمیر است، حرکت آخر آن تغییر نکرده است.

فن ترجمه

آشنایی با معانی حروف مشبهه بالفعل بسیار مهم است؛ پس به مثال‌ها و نکاتی که مطرح می‌کنیم توجه کنید.

د: إِنَّ: به معنای **قطعان**، همانا، به درستی که، **بی‌گمان** است؛ به عبارت دیگر، جمله پس از خود را تأکید می‌کند.

إنَّ اللَّهُ غَفُورٌ: قطعاً خداوند بخشنده است.

نکته: هرگاه **إن** به ضمیر **نا** متصل شود آن را به صورت **إِنَا** و **إِنَّا** می‌نویسیم.

مثال: إِنَّا أَعْطَيْنَاكُمُ الْكَوْثَرَ: به درستی که ما به تو خیر زیاد عطا کردیم. (الکوثر/۱)

نکته: هرگاه **إن** به ضمیر متصل **ی** وصل شود، می‌توان بین این دو «نوون و قایه» آورد و به شکل **إنی** بنویسیم (**إن**+**ن**) و قایه + ی = **إنی**.

﴿لا﴾ نفی مضارع: بر سر فعل مضارع می‌آید و ظاهر فعل مضارع را تغییر نمی‌دهد و معنای آن را منفی می‌کند.

مثال: **﴿لا يَرْجُم﴾** = رحم می‌کند / **﴿لا يَرْجُم﴾** = رحم نمی‌کند
يَذْكُرُ = یاد می‌کند / **لا يَذْكُرُ** = یاد نمی‌کند

﴿لا﴾ نفی جنس: در ابتدای درس نامه، عملکرد و معنای آن را نوشتیم، حبّاً حالاً برای این که انواع «لا» را بهتر بشناسیم با همیگر مثالی را بررسی می‌کنیم:
سؤال: انواع «لا» را در مثال‌های زیر مشخص کنید.

(الف) ... **رَبَّنَا وَ لَا تُحَمِّلُنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ ...** (البقرة/٢٨٦)
ب) **لَا يَتَرَكَ اللَّهُ إِلَّا إِنْسَانٌ سُدَىٰ**.

پاسخ: **الف** **لَا تُحَمِّلُنَا:** بر ما تحمل نکن. (لا) نهی است؛ زیرا بر سر فعل مضارع آمده و آن را مجزوم (ـ) کرده است.

لا طاقّة لنا؛ هیچ طاقتی برای ما نیست. (لا) نفی جنس است؛ زیرا بر سر جمله اسمیه (مبتدا) آمده و آن را مبنی بر فتحه (ـ) کرده است.

ب) **لَا يَتَرَكُ رَهَنَمِيَّةً:** رها نمی‌کند (لا) نفی مضارع است؛ زیرا بر سر فعل مضارع آمده و حرکت آخر آن را تغییر نداده است.

كلمات و عبارات مهم درس

فعلها

أقام - يَقِيمُ: بر پا کرد - بر پا می‌کند
ثُوَّجَدَ: تأکید می‌کند
إِرْدَادَةَ: افراسیت یافت
يَحْسَبُ: گمان می‌کند
لَبِيبِيَّةَ: تا آشکار کنند
كَسْرَ: شکست
حاوَلَ: تلاش کرد
لَمَّا حَرَجَ: هنگامی که بیرون رفت
ظَنَّوا: گمان کردند
سَأَلُوهُ: از او پرسیدند
إِسْأَلُوا: پرسید
بَدَأُوا يَتَهَمَّسُونَ: شروع به پیچیدن
أَتَسْرُوا: یاری کنید
أَنْقَدَهُ: او را نجات داد

أَقْمَ وَجْهَكَ: روی بیاور
لَا تَكُونَنَّ: هرگز نیاش
ثَلَّ: راهنمایی می‌کند
أَلَمْ يَتَرَكَ: رها نکرد - رها نکرده است
أَنْ يَتَرَكَ: که رها شود
قَدْ حَدَّثَنَا: با ما سخن گفته است
وَ لَذَّدُكُرُ: و باید یاد کنیم
أَنْ يَنْهِيَ: که نجات دهد

عَلَّقَ: آویزان کرد
أَحْضَرُوهُ: او را آوردند
تَشَلَّلُونَتِي: از من سوال می‌کنند
لَا يَتَكَلَّمُ: سخن نمی‌گوید
حَرَقَوَهُ: او را بسوژانید
قَدَفَوَهُ: او را انداحتند

ساير كلمات و عبارات

شَعْبَ: ملت
خَلَالَ: از میان
الْتُّقْوَشُ: کنده کاری ها
الثَّمَائِلُ: تندیس ها
الْقَرَابَيْنَ: قربانی ها
مَرَّ الْعَصُورِ: گذر زمان (گذشت دوره ها)
السُّدُى: بیهوده و بوج
الصَّرَاعَ: کشمکش
وَحِيدًا: تنهایی
الْكِيفَ: شانه
الْإِهْتِمَامُ: توجه کردن
الْتَّدِينُ: دینداری

نکته: اگر جمله‌ای دارای **لَيْث و لَعْلَ** باشد و بعد فعل ماضی بباید (**لَيْث يا لَعْلَ + فعل ماضی**) آن فعل ماضی را می‌توان به صورت **ماضی استمراری** (می + ماضی + شناسه) ترجمه کرد.
(**لَيْث يا لَعْلَ + فعل ماضی** = ماضی استمراری)

مثال: **لَيْتَنا أَمْتَعَنَّا** عنَّهُ: کاش ما از آن خودداری می‌کردیم.
ماضی استمراری

نکره: در نکته قبل گفته‌یم که «**لَيْث + فعل ماضی** = ماضی استمراری» اما لازم است بدانیم که اگر به صورت ماضی بعيد (بن ماضی + ه + فعل بود + شناسه) هم ترجمه کنیم، صحیح است.

مثال: **لَيْتَنا شَاهَدْنَا** جميعَ مُدْنِ بِلَادِي: کاش همه شهرهای کشورم را می‌دیدیم. (ماضی استمراری) ← ترجمة صحیح ترکیب
کاش همه شهرهای کشورم را دیده بودیم (ماضی بعيد) ← ترجمة صحیح ترکیب

به مثال‌های زیر توجه کنید:

الف **لَا لِيَسْ أَجْمَلُ مِنَ الْعَافِيَةِ:** هیچ لباسی زیباتر از سلامتی نیست.

ب) **لَا عِبَادَةٌ مِثْلُ التَّنَاهِيِّ:** هیچ عبادتی همانند اندیشیدن نیست.

در مثال‌ها **لَا** نفی جنس را می‌بینید.

«**لَا** نفی جنس بر سر جمله اسمیه می‌آید و حرکت مبتدا را تغییر می‌دهد؛ یعنی مبتدا را اسم خود و مفتوح (ـ) می‌کند و خبر جمله را خبر خود و مرفوع (ـ، ـ، ...) می‌نماید. به چند مثال دیگر بد همراه تغییر حرکات کلمات توجه کنید.

الف **لَا فَقَرْ أَشَدُ مِنَ الْجَهْلِ:** هیچ فقری سخت‌تر از نادانی نیست.

اسم «لا» هیچ فقری «لا» هی
تفی پسند نفی پسند

ب) **لَا جِهَادٌ كَجِهَادِ النَّقْسِ:** هیچ پیکاری مانند پیکار با نفس نیست.

اسم «لا» هیچ فقری «لا» هی
تفی پسند نفی پسند

حبّا برویم سراغ اصل داستان که ترجمة «**لَا** نفی جنس است.

لَا نفی جنس به معنای «**هیچ ... نیست**» یا «**اصلًا ... وجود ندارد**» می‌باشد.

به مثال‌ها توجه کنید:

مثال: **لَا مِيرَاثٌ كَالْأَدَبِ:** هیچ میراثی مانند ادب نیست. (اصلًا هیچ میراثی

مانند ادب وجود ندارد).

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ: هیچ معبودی جز الله نیست.

نکته: (نوع «**لَا**»)

در زبان عربی چند نوع **لَا** داریم که معنا و کاربرد هر کدام متفاوت است؛ پس لازم است انواع «**لَا**» را بشناسیم.

الف **لَا** به معنای **نَهَى**: این «**لَا**» حرف است و متضاد «نعم» است و در پاسخ «هل» و «أ» (آیا) می‌آید.

مثال: **لَفْلَ الطَّالِبِ الْمُتَكَبِّلِ ناجِحٌ؟ لَا.** آیا دانش آموز تنبل موقق است؟ خیر (نه).

لَا نهی: بر سر فعل مضارع می‌آید و ظاهر فعل مضارع را تغییر می‌دهد (مزجوم می‌کند). در سال‌های قبل با فعل نهی دوّم‌شخص آشنا شدید. (تکثیف **لَا** تکثیف؛ ننویس / شسبُون ← **لَا شسبُون**؛ دشنام ندهید)

اما «**لَا** نهی می‌تواند قبل از فعل‌های مضارع اول و سوم شخص هم بباید که در این صورت به همراه **نَبِيِد**» ترجمه می‌کنیم.

سوم‌شخص مفرد ← **لَا يَتَرَكَ** ← **نَبِيِد** تو را غمگین کند.
اول‌شخص جمع ← **لَا تَدْهَبُ** ← **نَبِيِد** برویم.

﴿متراوِف﴾

أَنَارٌ = أَضَاءَ (روشن کرد)	تَبَجُّبٌ = الإِبْتَاعَادُ (دوری کردن)
مُؤْخَدٌ = حنیف (یکتاپرست)	إِزْدَادٌ = كثیر (زياد شد)
حَرَقٌ = أَشْعَلَ (سوزاند)	الصَّرَاعُ = النَّزَاعُ (کشمکش)
سَاعَةٌ = أَعْانَ (کمک کرد)	الذَّاءُ = المَرَضُ (بیماری)
بَعْثٌ = قِيَامَةُ (رستاخیز)	السَّلَامُ = الصلح (آشتی، صلح)
رَقَمٌ = قَدْفٌ (پرتاب کرد، انداخت)	مَرْصُوصٌ = سَدِيدٌ (محکم)
	إِشْرَاحٌ = سُرُورُ (شادی)

﴿متضاد﴾

الصَّرَاعُ (کشمکش) = السَّلَامُ (آرامش)
عافية (سلامتی) ≠ مَرَضُ (بیماری)
خفی (پنهان) ≠ ظاهر (آشکار)
العافية (سلامتی) ≠ الذَّاءُ (بیماری)
حنیف (یکتاپرست) ≠ مُشرک (کسی که برای خدا شریک قائل است.)

﴿جمع مکسر﴾

ترجمه	مفرد	جمع
ملت، نژاد	السُّعْبُ	الشُّعُوبُ
اثر، بازمانده	الآثَرُ	الآثارُ
کتبیه	الكتِيبَة	الكتَابَاتِ
کنده کاری	التَّقْشُ	الْتُّقْشُونَ
چهره	الوَجْهُ	الْوُجُوهُ
نقاشی	الرَّسْمُ	الرُّسُومُ
تندیس	الثَّمَاثِلُ	الثَّمَاثِيلُ
ظاهر، مراسم	الشَّعَارِيَةُ	الشَّعَارِيَّاتُ
خدا	إِلَهٌ	الآلهَةُ
فریبایی	الْقُرْبَانُ	الْقُرْبَانَيْنَ
دین و آیین	الدِّينُ	الآدِيَانُ
دوران، روزگار	الْعَصْرُ	الْعَصُورُ
قوم و گروه	الْقَوْمُ	الْأَقْوَامُ
بت	الصَّمَمُ	الْأَصْنَامُ
عید	الْعِيدُ	الْأَعْيَادُ
شانه	الْكَيْفُ، الْكَيْثَفُ	الْأَكْتَافُ
شهر	المَدِينَةُ	الْمَدَنُ
ته	الْجِدْعُ	الْجِدُوعُ
استخوان	الْعَظْمُ	الْعِظَامُ
سرود	الْأَنْشُودَةُ	الْأَنْشَادِيدُ
بخت	الْحَظَّ	الْحُطُوطُ
سرزمین	الْبَلَدُ	الْبِلَادُ
بدی	الشَّرُّ	الشُّرُورُ

﴿أَقْمَ وَجْهَكَ لِلَّذِينَ خَنِيفُوا وَلَا تَكُونُنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾:

با یکتاپرستی به دین روی آور و هرگز از مشرکان نیاش. (بیو۱۵/۱۰۵)

لا شعب من شعوب الأرض إلا ... هیچ ملتی از ملل زمین نیست مگر ...

تعذر الألة و تقديم القربان: چندگانگی خدایان و پیشکش کردن قربانیها

﴿أَتَ يَعْسِبُ إِلَيْنَا أَنْ يُتَرَكَ سُدُّ﴾:

آیا انسان گمان می کند که بیهوهده رها می شود؟ (القيمة/۳۴)

قد خذلنا القرآن عن سيرة الأنبياء و صراحتهم:

قرآن با ما درباره روش پیامبران ﷺ و کشمکش آنها سخن گفته است.

حاول أن يُنْهِيَ قوْمَهُ: تلاش کرد که قوم خود را نجات دهد.

حمل فأساً و كسر جبحة الأصنام: تبری را برداشت و همه بتها را شکست.

﴿أَأَنْتَ فَعَلْتَ هَذَا بِأَنْهَتْنَا يَا إِبْرَاهِيمَ﴾:

ای ابراهیم، آیا تو این کار را با خدایان ما انجام دادی؟ (الأنبياء/۶۲)

لم تَسْأَلُنِي؟ إِسْأَلُوا الصَّمَمَ الْكَبِيرَ: چرا از من می پرسید؟ از بت بزرگ پرسید

بَدَا الْقَوْمُ يَتَهَمَّسُونَ: مردم شروع به پچیج کردند.

و هُنَّا ﴿قَالُوا حَرَقُوهُ وَأَنْصُرُوا آهَمَّكُمُ﴾:

و اینجا گفتند که او را بسوزانید و خدایانتان را یاری کنید. (الأنبياء/۶۸)

فَقَذَفُوهُ فِي التَّارِ: پس او را در آتش انداختند.

فَأَنْقَدَهُ اللَّهُ مِنْهَا: و خداوند او را از آن (آتش) نجات داد.

﴿كلمات و عبارات تمارین﴾

آنم یکن: نبود

لا تذرک: به دست آورده نمی شود (به دست نمی آید)

لا تُحْمِلُنَا: بر ما تحمل نکن

يَقْعُ: رستاخیز

كُنْثُمْ لَا تَعْلَمُونَ: نمی دانستید

لا تَحْرُنَّ: غمگین نباش

الْجِدْعُ: تنه

لا تَسْبِبُوا: دشنام ندهید

يَعْبُدُ: عبادت می شود

بَدَوْوا يَتَكَلَّمُونَ: شروع به سخن گفتن کردند

صَفَّا: رديفی، ترتیبی

مُدْنُ: شهرها

كَنْزٌ: گنج

سِنْ عَرِيقَةٌ: دندانی پهن

طَيْنَةٌ: گلی

لا يَدْكُرُ: بیان نمی شود

الْمَفْسَدَةُ: مایه تباہی

أَعْتَى: مرا یاری کن

امْلَأَ الصَّدَرَ أَشْرَاحًا وَفَمِي بِالْبَسَمَاتِ: سینه را از شادمانی و دهانم را از لبخندها پر کن.

أَنْزَ: روشن کن

الْإِرْضَاءُ: خشنود ساختن

ما يَلِي: آن چه می آید

الْعَقْسَبُ: بی

لَا تَعْصِبُ: عصبانی نباش

سَعِيدٌ: خوش بخت

أَدَاءُ الْوَاجِبَاتِ: انجام دادن تکاليف

الْحَظَّ: بخت

غَايَةٌ: هدفی